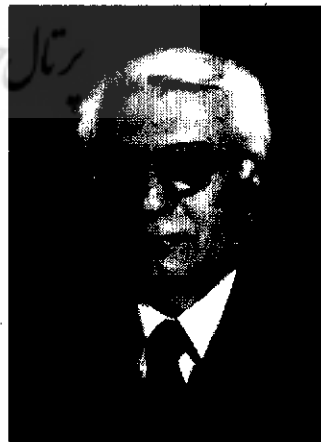


جنبش مخملی ایران

به پاس حماسه دوم خرداد ۱۳۷۶

دکتر نظام الدین قهاری



در دو دهه آخر قرن بیستم و سال های نخست هزاره سوم میلادی حوادث و تحولاتی در کشورهای مختلف جهان به وقوع پیوست که با وجود اختلاف در کاربردها و کارکردها «استراتژی و تاکتیک» عموماً اهدافی در جهت احقاق حقوق پایمال شده شهروندان و نیل به مردم سالاری را تعقیب می کردند. این تحولات که با مبارزات وسیع مردم همراه بود، جملگی به «انقلاب های مخملی» موسوم گردیدند.

مردم متبوع این کشورها با بهره گیری از تجارب گرانقدر سال های طولانی مبارزات پیگیر برای دستیابی به آزادی، دموکراسی و عدالت که همواره با انقلاب های خونین، کودتا و ضدکودتا و جابجایی و تغییرات خواسته و ناخواسته دولت ها همراه بود به نتیجه ارزشمندی دست یافتند که عمده انقلاب های سرخ به اهداف از پیش وعده داده شده یا در تخیل و آرمان ها تصور یافته، دست نیافتند. بلکه شرایط زیستی که پس از فروپاشی رژیم قبلی به وجود آمد بسیار شاق بود و نظام جدیدی که به وجود آمد نیاز به نهاده سازی های جدید و جوان داشت و سال ها باید به تجربه اندوزی و برنامه ریزی های پیچیده و مدون اقدام کرد تا به بخشی از اهداف از پیش تعیین شده رسید. از این رو وصول به آرزوهای انقلابیون و تحول طلبان بسیار بعید به نظر می رسید. بنابراین باید به روش های دیگری روی آورد که عمدتاً مسالمت جویانه بود و حداقل تخریب و جابجایی مسئولان را به همراه داشت ولی امکان داشت به حداکثر خواسته های ملموس و قابل اجرا دست یافت. چنین کوشندگی ها در بین ملت های

تحول خواه و اصلاح طلب مقبولیت یافت و به انقلاب های سپید یا مخملی موسوم گردید. آنچه تا به حال به اثبات رسیده، مشخص شده که چنین تحولات یا انقلاب ها به مراتب بنیانی تر و کارسازتر بوده خواسته ها و تمایلات جامع یا اکثریت قریب به اتفاق شهروندان جوامع مذکور را بیشتر برآورد ساخته است.

□□

جنبش ها و انقلاب های مخملی در کشورهای مختلف صرف نظر از عنوان مشترک، تفاوت هایی با هم داشتند که بیشتر در رابطه با شرایط اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و خواسته های برحق، ملموس و قابل وصول شهروندان آن جوامع بود. ولی نقاط مشترک و مشابهی هم داشته اند که مهمترین آنها به قرار زیر است.

- به وجود آمدن ذهنیت جمعی در اکثریت شهروندان بر ضرورت ایجاد و تحول و اصلاح در خط مشی های مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور.

- جنبش ها در جهت احقاق حقوق شهروندان و گسترش مردم سالاری سیر می کرد، لذا تمایلات دموکراسی خواهی و عدالت جویی در آنها بیشتر مشاهده می گردید.

- عدم رضایت عامه از عملکرد حاکمان و مسئولان طراز اول، به دلیل عدم موفقیت در انجام وعده های از پیش داده شده و اثبات عدم حسن نیت مسئولان با نادیده گرفتن قوانین موجود و حقوق مردم.

بنابراین گرایش گسترده مردم به تحول و جنبش اصلاحی در جوامعی به وقوع پیوست که رژیم های آنها از دموکراسی و آزادی و عدالت فاصله داشتند.

- به وجود آمدن انگیزه عام همکاری جمعی و مستمر برای دستیابی به اهداف مذکور که به صورت حضور اجماع میلیونی شهروندان در صحنه آزاد خیابان ها و میداين و پایداری و پافشاری بدون وقفه در کسب خواسته ها مصداق پیدا کرد.

- گزینش راه های قانونی برای کسب مطالبات، مانند شرکت عمومی در انتخابات و رأی به برنامه های از پیش تدوین یافته. حضور در فضاهاى آزاد و میداين، تشکیل نهادهای مدنی، شامل انجمن های محلی - صنفی، آموزشی و فرهنگی، NGO ها و نهادهای شورایی، سندیکاها، اتحادیه ها و احزاب.

- عرضه مطالبات مدنی و قانونی در حد معقول و قابل تحقق که مورد قبول و پسند عام بوده و همکاری دسته جمعی را ممکن سازد.

- اجتناب از هرگونه خشونت، تخریب و زیاده روی، نفی شعارهای مهیج غیر قابل اجرا و غیرواقعی، اتکا به گفت و گو و بحث و عطف و محبت با رقیبان سیاسی و مخالفان.

- حفظ نهادها و کيان ها و دستگاه ها، سیستم های موجود که متعلق به عموم بوده و

همواره نیاز و آفری به آنها وجود دارد. اهداف اصلاح طلبانه جنبش های مخملی با هرگونه تخریب و نابودی ظرف و مظهر و متعلق به جامعه منافات داشت.

- حضور رهبران هوشیار و آگاه که خود در صحنه جنبش های مردمی حضور داشته، مردم هم متقابلاً به آنها اعتماد داشته و آنها نهضت های اصلاح طلبانه را هدایت و رهبری نموده و در نهایت به پیروزی رسانده اند.

انقلاب ها و جنبش های مخملی در هر جامعه کشوری از فرهنگ و عادات سنت های عمیق، ملی، مذهبی و تاریخی ملت های خود نشأت وافر گرفته اند و تفاوت های آشکار آنها از همین زاویه قابل تشخیص است. به عنوان مثال در لهستان که تمایلات مذهبی کاتولیک اولویت داشت؛ مبارزات بر نیاز و تمایلات مذهبی مردم استوار بود. در رومانی نفی دیکتاتوری، در یوگسلاوی تمایلات ملی و استعفای رئیس جمهوری که سبب چند پارچه شدن کشور شده بود. در اوکراین حقیقت و راستگویی مسئولان و رهبران ملاک پذیرش آنها از سوی ملت بود.

□□

امادر مورد میهن خودمان، اگر حماسه پرشور مردمی دوم خرداد ۷۶ را «جنبش مخملی ایران» بنامیم سخن به گزاف نگفته ایم و راه خطا نرفته ایم. مردم ایران با تجارب تاریخی بیش از یکصدسال انقلاب های ضداستعماری و خودکامگی و جنبش های ضداستبدادی و پیش کسوتی در فرایند دستیابی به جامعه مدنی در خاورمیانه و ملل مسلمان، این بار نیز به صورت یکپارچه در جنبش اصلاح طلبی و آزادیخواهی شرکت کرد و سیمای ارزنده و تاریخ سازی به مردم جهان نشان داد.

سیمایی متأثر از سیرت فرهنگ و اخلاق منزه سیاسی که به صورت آرامش و کوشش بدون خشونت جلوه نمود. در روز دوم خرداد ۷۶ اکثریت انبوه و قریب به اتفاق از واجدین شرایط به امید گشایش فضای سیاسی و فرهنگی و تعمیم عدالت و جامعه مدنی برای انتخاب رئیس جمهور جدید که جلوه های نوینی در کلام و رفتارش هویدا بود، به مراکز اخذ رأی مراجعه و با نهایت آزادی و آرامش و انتخاب و تمایل شخصی رأی خود را به صندوق ها ریختند. مردم ایران آقای خاتمی را شخص فریخته ای می دانستند که سابقه نسبتاً روشنی در مدیریت کلان امور فرهنگی و هنری کشور داشت. سخنان ایشان نشانه هایی از تحول در تفکر منجمد و سنگواره قرون تهجرخیز و عقب ماندگی گذشته داشت. وعده اصلاحات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، بسط جامعه مدنی، تساهل و تسامح در رفتار مدیریت های طراز اول نظام، مردم سالاری، آزادی

انقلاب ها و جنبش های مخملی در هر جامعه کشوری از فرهنگ و عادات سنت های عمیق، ملی، مذهبی و تاریخی ملت های خود نشأت وافر گرفته اند و تفاوت های آشکار آنها از همین زاویه قابل تشخیص است

اندیشه و مقولات دیگر که بوی دموکراسی می داد در برنامه های ایشان مشخص بود که به مذاق تفکر سیاسی ایرانیان بسیار خوشایند می آمد. لذا شاهد بودیم که مردم منجی طلب ایران با اکثریت غیر قابل پیش بینی و بی سابقه ای به آقای خاتمی رأی دادند، به امید آن که آرمان ها و خواسته های برنیامده و سرکوب شده انقلاب ۲۲ بهمن همچون کلامشان در عمل هم به اجرا گذارده شود.

جنبش مخملی ایران که دوم خرداد ۷۶ سرآغازش بود تا چند سال بعد ادامه یافت و در انتخابات دوره ششم مجلس و دوره هشتم ریاست جمهوری و دور اول شوراها کاملاً زنده و بانشاط خودنمایی کرد. اما به دلایل مختلف در سال های بعد در نشیب قرار گرفت و در انتخابات دوره هفتم مجلس آن شور و فتور گذشته را نداشت. علل این فروکاستن به جای خود قابل بررسی است. مسلماً کسانی که سبب این کاهش تجلی سالم قدرت ملت ایران گردیدند در مقابل تاریخ مسئول و پاسخگو خواهند بود.

در هر حال در همان سال های محدود این جنبش تاریخی تأثیر عمیقی در فرهنگ سیاسی و آگاهی های اجتماعی و پیشرفت و توسعه معنوی و مادی مردم ایران گذاشت. از جمله ادبیات سیاسی جدیدی به ارمغان آورد که در نشریات مکتوب و کلمات منصوب و رسانه های جمعی کاملاً مشهود است. تموج های جنبش تحرک های اصلاح گرانه ای را هم به دنبال داشت و پیشرفت های چشمگیری در راستای تفهیم عمومی ذهنیت مردم سالاری و دموکراسی کسب کرد. در صحنه عمل هم انتخابات شوراها که بخشی از خواسته ها و اهداف انقلابی مردم بود و نمادی از سپردن کار مردم به دست مردم است، بعد از ۲۲ سال که از انقلاب می گذشت به اجرا درآمد.

روزنامه ها و نشریات متعددی که برای روشن کردن اندیشه و افکار مردم ضروری و مفید بودند به زیور نشر آراسته گردیدند. نویسندگان، مترجمان و تحلیلگران و مفسرین زیادی به خصوص در قشر جوان پا به عرصه حضور گذاشتند. جریانات خشونت باری که حذف فیزیکی مخالفان و دگراندیشان را هدف خود قرار داده بود منزوی و متوقف گردید. ارگان و سازمانی که مأموران آن به اقداماتی خلاف شئون انسانی و اسلامی دست می زدند و به آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی لطمه وارد می کردند تصفیه و پاکسازی شد. در زمینه کارهای عمرانی اقدامات چشمگیر زیربنایی ارزشمندی صورت گرفت که نتایج موثر و مفید آن در سال های آینده بروز خواهد کرد. از جمله این اقدامات باید گسترش و توسعه راه های ارتباط کشور (ریلی و جاده ای)، ساختمان سد های متعدد بزرگ و کوچک برای کنترل و جمع آوری آب ها و سیلاب های سرگردان که سبب تخریب یا هدر رفتن می گردید، افزایش تولید انرژی برق و برق رسانی به کلیه نقاط کشور، توسعه شبکه گاز

در شهرهای دور و نزدیک، توسعه استخراج و تصفیه گاز و نفت و پیشرفت صنایع پتروشیمی، افزایش صادرات غیر نفتی، وصول به مرحله خودکفایی در تولید گندم و ده ها مورد دیگر از این قبیل اقدامات را می توان نام برد.

البته کلیه اقدامات اصلاحی انجام شده با روحیه و آرزوهای شتاب زده و نیازها و انتظارات انبوه مردم هماهنگ و هم راستا نبود. خواسته های شهروندان به خصوص توسعه سیاسی بسیار فراتر از امکانات و اختیارات محدود شده رئیس جمهور در قانون اساسی و نمایندگان اصلاح گر مجلس شورا سیر می کرد؛ که اولی هر ۹ روز با یک توطئه روبه روی می گردید و مجبور بود با آرامش و متانت و صبوری آنها را از سر به در کند و دومی ها هم با سد غیر قابل نفوذ تصمیمات شورای نگهبان و حکم حکومتی سروکار داشتند که مانعی در سر راه تصمیمات اصلاح گرانه آنها محسوب می شد.

آقای خاتمی رئیس جمهور آرامش و امنیت را بزرگ ترین نعمت برای جامعه و مهم ترین وظیفه خود محسوب می داشت و سعی وافر در حفظ آن به کار می برد. بودند جریاناتی که آمادگی داشتند برای افزودن به اقتدار سیاسی و انحصارات اقتصادی خود، به بهانه جزئی امنیت کشور را برهم زنند تا از آب گل آلوده ماهی بگیرند و حداقل شرایط باز فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه را هر چه بیشتر تنگ تر و ناامن تر سازند. رئیس جمهور سعی فراوان به کار برد که بهانه به دست جریانات خردستیز و آشوبگر ندهد.

کسانی که به آقای خاتمی به بهانه عملکردهای آرام و بدون واکنش ماجراجویز او اتهام تعلل می زدند و از او به دلیل مقابله با حملات و اعلان جنگی که به دولت داده می شد انتقاد می کنند باید یک بار دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی را مطالعه کنند و به اختیارات محدود رئیس جمهور و بی ثباتی و تزلزل مقام و آسیب پذیری موقعیت او در مقابل رهبری و دیگر نهادهای انتصابی و نیمه انتصابی توجه بیشتر مبذول دارند. ضمناً میزان سرمایه گذاری معنوی، اخلاقی و فرهنگی ملت را در وصول به جامعه مدنی در نظر آورند.

بنابراین کارنامه دوران رئیس جمهوری خاتمی تا حدود زیادی مثبت و سپید می باشد. هرچند باید اذعان کرد اصلاح گران می توانستند کارکرد بسیار درخشان تر و شفاف تری به ملت ایران ارائه نمایند. شاید بیشترین ضعف رهبران جنبش اصلاحی ایران در بخش آموزش سیاسی - عملی و اجتماعی عمومی و سازماندهی خیل عظیم مردمی بود که به صحنه سیاست و کوشندگی گام گذاشته بودند.

آموزش می توانست شامل تمامی مطالبی باشد که در آغاز جنبش اصلاحات و در نطق های انتخاباتی رئیس جمهور و کاندیداها

**اگر حماسه پر شور مردمی
دوم خرداد ۷۶ را «جنبش
مخملی ایران» بنامیم سخن
به گزاف نگفته ایم. مردم
ایران با تجارب تاریخی پیش
از یکصدسال انقلاب های
ضداستعماری و خودکامگی و
جنبش های ضداستبدادی و
پیش کسوتی در فرایند
دستیابی به جامعه مدنی در
خاورمیانه و ملل مسلمان،
این بار نیز به صورت یکپارچه
در جنبش اصلاح طلبی و
آزادیخواهی شرکت کرد**

